

حق بر امنیت اجتماعی با تأکید بر آیات و روایات

سمیه صرامی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱

نفیسه نکویی مهر**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۲

عاطفه حسینی فرد***

محمدجواد عبداللهی****

چکیده

یکی از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در مسیر رشد و توسعه جامعه می‌باشد که با بکارگیری و استخدام ابزار و امکانات متنوع باید به این امر مهم همت گمارد، و همچنین جامعه اسلامی نیز وظیفه دارد ولایت ایمان را به ثبوت رسانیده و به منظور پرهیز از بی‌نظمی و هرج و مرج، فریضه حیاتبخش امر به معروف و نهی از منکر را اجرا نماید. برای آشنایی هرچه بیش‌تر شایسته است جایگاه امنیت را در اسلام و آیات و روایات به طور فشرده و مختصر مورد بحث و بررسی قرار دهیم تا اندیشه و مواضع ایران در این خصوص که برگرفته از روح تعالیم اسلام ناب است روشن شود. در این مقاله کوشش شده است تا به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که با توجه به آیات و روایات چه نظمی باید پاس داشته شود؟ و امنیت چه کسانی یا چه نظامی باید حفظ شود؟ با استفاده از روش کتابخانه‌ای انواع امنیت اجتماعی از منظر آیات و روایات و قوانین داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته شده است و از نیروی انتظامی به عنوان مهم‌ترین ارکان، حمایت از حق امنیت اجتماعی سخن به میان آورده شده است.

کلیدواژگان: امنیت اجتماعی، اسلام، آیات، نیروی انتظامی، ایران.

* دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sarrami_somaye@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق عمومی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

nafas.nekouimehr@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق، گروه فقه و مبانی حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

**** عضو هیأت علمی، گروه حقوق خصوصی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران.

نویسنده مسئول: سمیه صرامی

مقدمه

مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان، ال ویور و لمیتر تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدیدآمیزی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بودند. بدین معنا که از یک سو با رشد فناوری‌های نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد (مانند غیر اقتصادی و در نتیجه نابود شدن آموزش فرهنگ و زبان اوکراینی در روسیه یا پر هزینه بودن آموزش و پژوهش به زبان کردی در ترکیه) و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید (مانند اقامت و اشتغال سیاهپوستان آفریقایی تبار در فرانسه یا قاچاق کارگران به کشورهای اسکاندیناوی). بوزان و ویور و بعضی دیگر از محققان اروپایی در سال ۱۹۹۳ با تعریف Societal Security به عنوان «دستور کاری جدید برای امنیت در اروپا» پیشگامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند که امروزه به موضوعی جذاب و مناقشه‌انگیز مبدل شده است.

گفتنی است طرح مفهوم Societal به عنوان مبحثی امنیتی (Security) حاکی از وزن بالا و اهمیت والای آن مفهوم است. امنیتی دیدن یک مفهوم یا وضعیت از اعتبار بسیار زیاد یک مفهوم یا وضعیت حکایت می‌کند. معمولاً موضوع عادی هنگامی امنیتی دیده می‌شود که یک یا چند مؤلفه از ارزش‌های اساسی در معرض تهدید یا آسیب پذیری قرار گرفته باشد. از این رو به خاطر اینکه موضوع Societal Security، ارزش‌های اساسی را که عبارت‌اند از انسجام اجتماعی، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی مورد مخاطره قرار می‌دهد و با آن ارزش‌ها سر و کار می‌یابد، از اهمیتی فراگیر و مداوم برخوردار می‌باشد.

در سال ۱۹۹۳ یعنی در پایان رقابت ایدئولوژیک شرق و غرب، مرکز ثقل رقابت از ایدئولوژی به تعلقات قومی و مذهبی سرایت کرد و همزیستی اقوام مختلف و رابطه گروه‌های مذهبی، دینی و قومی با دولت به عنوان یک معضل مطرح گردید. فعالان قومی در نقش رهبران رهایی‌بخش از یک سو و دولت‌های مرکزی که به مشارکت سیاسی شهروندان احتیاج مبرم داشتند، از سوی دیگر، خواسته و ناخواسته سبب تولید متون

قابل توجهی در زمینه امنیت اجتماعی شدند. سطح تحلیل این مفهوم نه دولت بود و نه یکایک شهروندان، بلکه افراد متشکل در قالب گروه که دغدغه حفظ هستی و خصایص خود را داشتند اصلی‌ترین موضوع امنیت اجتماعی شدند و تلاش گسترده‌ای در پردازش این رهیافت بین رشته‌ای آغاز گردید. تأکید بر این نکته همچنان ضروری است که امنیت اجتماعی به معنای Societal آن، به هر حال خاستگاه غربی داشته است، اما این خاستگاه مانع از توجه محققان کشورهای جهان سوم به رهاوردهای آن نیست. به عقیده بوزان، اگر امکانات مقابله بیش از امکانات تهدید باشد، امنیت حاصل است، اما اگر تراکم، حجم و شدت تهدید بیش از امکانات مقابله باشد، آن تهدید موجد ناامنی خواهد بود. از نگاه علمای مکتب کپنهاگ هم، امنیت مطلق قابل تصور نیست و وجود درصدی از ناامنی و بحران، عامل بالندگی و پویایی حیات بشری است. منابع تهدید به تحرکات نظامی، تزلزل سیاسی، دغدغه اجتماعی، بی‌ثباتی اقتصادی و آلودگی زیست محیطی اطلاق می‌شود که شیوه عمل آن‌ها از طریق مؤلفه‌هایی چون مشخص بودن هویت، قریب الوقوع بودن، شدت احتمال وقوع، عواقب احتمالی و پیشینه تاریخی آن‌ها بررسی می‌شود.

تهدید اجتماعی: تهدید اجتماعی به هویت و ارزش‌های مورد احترام مربوط می‌شود و طی آن «ما» بی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می‌گردد. این قبیل تهدیدات، در محدوده داخل کشور اتفاق می‌افتد، اما اخیراً با گسترش فرآیند جهانی شدن، تهدید اجتماعی معنای بین‌کشوری و فراملی را هم یافته است. موج فزاینده مهاجرت، مسافرت، تجارت، ارتباطات و هژمونی زبان انگلیسی باعث تلقی تهدید اجتماعی، به مثابه تهدید سیاسی و حتی تهدید امنیت ملی، شده است. بر این اساس، هویت در کانون توجه مطالعات و بازیگران قرار می‌گیرد. ویور بر آن است که ایده امنیت، ماهیت اجتماعی داشته و در بستر جامعه ساخته و پرداخته می‌شود. تحلیل‌های امنیتی مناطق به شکل متفاوتی صورت می‌پذیرد و یکسان‌انگاری نظری و عملی به هیچ وجه روا نیست. نهایت اینکه هر مجموعه منطقه‌ای، فرمول ویژه خود را دارد. یک کشور را باید در کد منطقه‌ای خود قرار داد و امنیت-ناامنی آن را مطالعه کرد. تجویز رویکرد امنیتی یکسان، برای مناطق مختلف، نتیجه‌بخش نیست (Bevilacqua، ۱۵:۲۰۵۶).

محمد/یوب آسیب‌پذیری داخلی کشورهای جهان سوم را بیش از تهدیدات خارجی و امنیت سیاسی، و ثبات حکومتی را بیش از مؤلفه‌های زیست محیطی در امنیت پایدار سهیم می‌داند.

مکتب کپنهاگ به جای جامعه پلیسی از پلیس اجتماعی یا جامعه مسئول حمایت می‌کند. تدارک مذاکره و حل مسالمت‌آمیز بحران، مهم‌ترین رویکرد و تجویز این مکتب است. مکتب کپنهاگ، به خصوص طی سال‌های اخیر، تلاش کرده تا از غلظت امنیتی مسائل کاسته و آن را به حوزه مدیریت سیاسی بکشد. نهایت اینکه، خطر مورد نظر اندیشمندان مکتب کپنهاگ، در درجه اول نه تهدید خارجی که آسیب‌پذیری و شکنندگی داخلی است. بر این اساس، مؤلفه‌هایی مانند انسجام و مدارای قومی، مشروعیت سیاسی، توانمندی اقتصادی در عرصه داخلی، مهم‌ترین عوامل ائتلاف و اقتدار بین‌المللی به شمار می‌آیند (Bredenoord, ۲۰۱۴: ۲۳).

پس از مرور و تبیین مفهوم و نظریه‌های امنیت اجتماعی، این پرسش قابل طرح است که آیا مضمون امنیت اجتماعی و اشکال بروز و ساماندهی آن در همه جوامع یکسان است؟ چگونه می‌توان ضمن استفاده از تجربه‌ها و یافته‌های جهانی، ملاحظات بومی را در طراحی و تفسیر امنیت اجتماعی دخیل نمود؟ فرض بر آن است که ریشه‌های بروز و شیوه‌های مدیریت امنیت اجتماعی در جوامع گوناگون، متفاوت است. این فرض را نظریه‌پردازان اولیه امنیت اجتماعی نیز می‌پذیرند (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۴).

ریشه روش شناختی تأمل در معنای غربی امنیت اجتماعی به این پرسش مربوط است که آیا در ایران هم عدم اطمینان خاطر افراد و گروه‌ها به دلیل احتمال زوال هویت ایرانی است؟ سهم و وزن دغدغه هویت در احساس ناامنی اجتماعی چقدر است؟ آیا مسائل دیگری وجود دارند که مسأله هویت خواهی را تحت الشعاع قرار می‌دهند؟ آیا می‌توان گفت که ایرانیان نسبت به هویت، هیچ دغدغه‌ای ندارند؟

به نظر می‌رسد هویت خواهی اولین اولویت مبحث امنیت اجتماعی (به تعریفی که گذشت) در ایران نیست (شهرام‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۱). در پژوهشی که با عنوان «مسائل اجتماعی ایران» انجام گردیده است، گروهی از محققان علوم اجتماعی به استخراج عینی مسائل اجتماعی در ایران پرداخته‌اند. این گروه پژوهشی با تهیه پرسشنامه‌ای، مهم‌ترین

عوارض اجتماعی، اولویت و موضوعیت آن‌ها را از عامه مردم، مسئولان و مطلعین جویا شده‌اند. مهم‌ترین مسأله اجتماعی از دید سه گروه مذکور، صیغه اقتصادی دارند و به فقر و اشتغال مربوط‌اند. در این تحقیق هویت‌خواهی مقام پنجم و افسردگی روانی آخرین مسأله اجتماعی ایرانیان ذکر شده است (Gibney, ۲۰۱۰: ۵۴).

همانگونه که گذشت خاطر نشان ساختیم که امنیت اجتماعی عبارت است اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحركات عمدی (مانند کوچاندن هوشمند یک قوم) و تحولات عادی (مانند زلزله یا گسست نسلی). بر اساس این تعریف، موضوع امنیت اجتماعی در ایران فقط گروه نیست بلکه فرد نیز به عنوان عضو گروه و مؤلفه سازنده جامعه در شمول امنیت اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنین افراد و گروه‌ها، هم دغدغه موجودیت خود را دارند و هم نگران هویت و انسجام جمعی خود می‌باشند.

عناصر اصلی امنیت اجتماعی در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چند وجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی در ایران، مهم‌ترین دغدغه‌های ایرانیان (در سطح فردی و گروهی) به ترتیب وزن و نقش مؤثر، عبارت‌اند از:

۱. حفظ الگوهای ساده سنتی
۲. حفظ فرهنگ‌های خاص جامعه
۳. حفظ مذاهب خاص توسط گروه‌ها
۴. حفظ هویت گروهی
۵. حفظ قومیت و نژاد
۶. حفظ ارزش‌های بنیادین گروه‌ها
۷. حفظ راه و روش زندگی گروهی
۸. حفظ همبستگی و اتحاد گروهی
۹. حفظ ویژگی‌های مشترک گروهی

۱۰. وجود محیطی آرام برای فعالیت اجتماعی گروهی

در این مقاله امنیت اجتماعی و تضمینات برقراری آن را با توجه به آیات و روایات و همچنین با توجه به اسناد داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

دکتر/فتخاری (۱۳۹۰) پروژه تحقیقاتی با عنوان «امنیت اجتماعی شده با رویکرد اسلامی» با استفاده از روش تحلیل ساخت معنایی آیات و با هدف زمینه سازی برای ارائه یک الگوی مفهومی بومی در حوزه امنیت اجتماعی برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به انجام رسانده است. وی پس از تدوین مقدمات و تبیین مبانی، در نهایت نظریه‌ای بومی را پیشنهاد می‌دهد. ارکان معرفتی و کاربردی این نظریه که به حوزه نظریات قدسی در مطالعات امنیتی تعلق دارد، عبارت‌اند از الف. تحلیل پدیده‌ها در پنج ساحت اصلی (تکوینی، فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی) صورت می‌پذیرد. ب. امنیت در الگوی تحلیل فضا محور، در دو سطح اساسی تحلیل می‌گردد که عبارت‌اند از سطح افقی که عوامل مؤثر بر امنیت را در مقطع کنونی به بحث می‌گذارند و سطح عمودی که دو بخش تحلیل تبارشناسانه امنیت و تحلیل آینده‌شناسانه را شامل می‌شود.

دکتر نصری (۱۳۹۰) پروژه تحقیقاتی با عنوان «امنیت جامعه‌ای؛ مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها» با استفاده از روش تحلیل تفسیری و با هدف ارائه و تشریح نظریات مطروحه در باب امنیت اجتماعی، تمهید تئوریک برای سیاستگذاری در امنیت اجتماعی، استفاده از نظریه‌ها و مفاهیم بدست آمده جهت شناسایی مؤلفه‌ها و زمینه‌های مطالعات و شناخت مسائل و موضوعات امنیت اجتماعی ایران برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به انجام رسانده است.

در سال ۱۳۸۸ نیز در دانشگاه عالی دفاع ملی مطالعه گروهی با راهنمایی دکتر سیامک رهپیک با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی و ارائه راهبردها در ج.ا.ا» با هدف احصاء عوامل مؤثر در شکل‌گیری، حفظ و ارتقاء امنیت اجتماعی در ج.ا.ا انجام گردیده است. نتایج حاصل از مطالعه مذکور حاکی از این است که عوامل مؤثر در امنیت اجتماعی ج.ا.ا در سطح گروه‌های زبانی- مذهبی به ترتیب عبارت‌اند از عامل اقتصادی، عامل فرهنگی/ اجتماعی، عامل سیاسی و عامل نظامی. یعنی گروه‌های زبانی- مذهبی عمدتاً در سطح کشور خواستار بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی خود می‌باشند و سایر عوامل از جمله فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، انتظامی و نظامی

در اولویت‌های بعدی نیازهای مردم قرار دارند. شایان ذکر است تحقیقات دیگری نیز در زمینه تهدیدات اجتماعی یا عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی صورت گرفته که ارتباطی با موضوع مقاله ندارد، بنابراین از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود. نوآوری که در این تحقیق نسبت به سایر تحقیقات نام برده وجود دارد این است که در این نوشتار ارتباط هر آیه در زمینه امنیت اجتماعی با قوانین هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی مشخص شده است.

مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در دیدگاه قرآن

قرآن کریم نسبت به مقوله «امنیت» نیز توجه ویژه‌ای داشته و در آیات بسیاری ضمن بیان اهمیت موضوع «امنیت»، مخاطبان خود را نسبت به اهمیت آن متذکر شده است (جاوید، ۱۳۹۳: ۲۳)؛ که ما در این بخش به برخی از آن آیات اشاره خواهیم کرد.

۱. اعلام احکام حکومتی برای حل معضلات

یکی از مشهورترین آیات قرآن کریم که به موضوع «امنیت» اشاره کرده است آیه:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره/ ۱۲۶)

می‌باشد که مشتمل بر دعای پیامبر بزرگ خداوند حضرت ابراهیم (ع) درباره سرزمین و مردم مکه می‌باشد: «و به یادآور هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را، آن‌ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند از ثمرات (گوناگون) روزی ده...». این دعا در حالی که به پیشگاه الهی عرضه شده است که «مکه تدریجاً شکل شهری را به خود گرفته و قبیله جرهم در آنجا ساکن شده بودند و پیدایش زمزم آنجا را قابل سکونت ساخته بود» (تفسیر نمونه، ج ۱۰: ۳۶۵) و در نتیجه ایشان در دعای خود، اصلی‌ترین نیاز این اجتماع نه چندان بزرگ (در آن روزگار) را مد نظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری برای آنان درخواست «امنیت» می‌نماید «و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حاکم نباشد

فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست!» (تفسیر نمونه، ج ۱: ۴۵۲) و نه تنها اقتصاد سالم که اصولاً برخورداری‌ای یک زندگی انسانی مطلوب بدون وجود امنیت امکان‌ناپذیر است و «اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیست، هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت است سایر نعمت‌ها را نیز از دست خواهد داد» (تفسیر نمونه، ج ۱: ۳۳۶). در خاتمه گفتار پیرامون این آیه شریفه، ضمن تذکر این نکته که این درخواست حضرت ابراهیم (ع) مبنی بر امنیت مکه و اهل آن، در آیه ۳۵ سوره مبارکه ابراهیم نیز تکرار شده که خود بیانگر اهمیت موضوع می‌باشد. باید گفت که این خواسته بزرگ از جانب پروردگار مورد اجابت واقع شده و خداوند دعایش را مستجاب کرد و «دعای ابراهیم درباره امنیت مکه از دو سو اجابت گردید: هم امنیت تکوینی به آن داد، زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کم‌تر به خود دیده و هم امنیت تشریحی، یعنی خدا فرمان داده که همه انسان‌ها و حتی حیوانات در این سرزمین در امن و امان باشند» (تفسیر نمونه، ج ۱: ۳۳۶).

در این خصوص برخی از اصول قانون اساسی، خطوط کلی سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی را ترسیم کرده است که از آن جمله است:

اصل ۱۵۲: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.»

اصل ۱۵۳: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.»

اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

اصل ۱۵۵: «دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران، خائن و تبه‌کار شناخته شوند».

اصل ۹: «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند...».

اصل ۱۱: «به حکم آیه کریمه ﴿ان‌هذه امتکم امة واحدة وانار بکم فاعبدون﴾ همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است، سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

۲.۲. اقامه نماز

یکی از روش‌های برقراری «امنیت اجتماعی» آن است که عوامل عزت‌آفرین و کرامت‌بخش را تقویت نمود تا افراد جامعه با تمسک به آن‌ها از ارتکاب گناه خودداری کنند و بدین ترتیب انسانی که از چنین «تربیت الهی» برخوردار شد هرگز نه در عرصه زندگی فردی و نه در عرصه زندگی اجتماعی، تهدیدی برای «امنیت و آسایش» خود و جامعه نخواهد بود. در مسیر «کرامت بخشی» به نفوس انسان‌ها، بدون شک و تردید، یکی از مهم‌ترین عوامل و راهکارهای قابل توجه که در عین حال هیچ‌گونه هزینه‌ای را در بر ندارد، امر مقدس و عظیم «نماز» می‌باشد. نماز در واقع حلقه اتصال انسان با وجودی عظیم الشان و بی‌نهایت به نام خداست که یکی از مهم‌ترین اسامی و صفات او «کریم» است به معنی بزرگوار، و کسی است که به مصداق آیه شریفه «پس همانا تمامی عزت آن از خداست» دارنده تمامی مراتب عزت می‌باشد و یقیناً انسانی که با او مرتبط شد و رنگ و بوی خدایی به خود می‌گیرد و «کریم» می‌گردد و «عزیز» می‌شود.

خداوند عزیز در آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت یکی از مهم‌ترین آثار نماز را دور نمودن نمازگزار از "فساد و فحشا" ذکر می‌نماید و می‌فرماید: «همانا نماز از زشتی و منکر بازمی‌دارد».

نگاهی هرچند گذرا به تاریخچه زندگی بزهکاران اجتماعی و آنان که «امنیت اجتماعی» را به نحوی مختل نموده‌اند، به خوبی این نکته را به اثبات می‌رساند که غالب آنان کسانی بوده‌اند که با نماز و مسجد ارتباطی نداشته و خود را در عرصه حیات، بی‌قید و آزاد گذاشته و دست به گناهان عظیمی همچون قتل زده‌اند.

۳. مجازات مجرمین

از آنجا که گناهی که از آدمی سرمی‌زند اغلب به حیطة فردی خویش محدود نشده و عواقب و ثمرات آن دامن گیر اجتماع نیز شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌افکند، اجرای این قوانین و مقررات باید از سوی مجریان حکومت اسلامی با جدیت دنبال شود. به عنوان نمونه دو گناه بزرگ قتل و دزدی از جمله عواملی هستند که اگر نسبت به آن‌ها هرگونه سهل انگاری و مسامحه‌ای صورت گیرد بسیار زودتر از آنچه تصور کنید در جامعه فراگیر شده و در نتیجه امنیت اجتماعی را به طور جدی تهدید می‌نمایند. در آیات بسیاری از قرآن کریم نسبت به دو گناه هشدارهایی داده شده است تا انسان‌ها از ارتکاب آن‌ها خودداری کنند و چنانچه کسی پا را از این حدود الهی فراتر نهاد و علی‌رغم تحذیرات خداوند، مرتکب یکی از این گناهان گردید، باید مطابق دستورات قرآن و شرع مقدس با مرتکبین آن‌ها برخورد شود. در قرآن کریم قاعده «قصاص» در رابطه با مرتکبین قتل وضع گردیده و خداوند متعال از این اصل به عنوان عاملی برای تداوم حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصَ فِي الْقَتْلِ وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره / ۱۷۹-۱۷۸)

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد تا شما تقوی پیشه کنید»

این آیه که در نهایت فصاحت و بلاغت است آنچنان جالب است که به صورت یک شعار اسلامی در ذهن همگان نقش بسته است و به خوبی نشان می‌دهد که قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه انتقام جویی ندارد؛ بلکه دریچه‌ای است به سوی حیات و

زندگی انسان‌ها. از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص به هیچ وجه وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند جان مردم بی‌گناه به خطر می‌افتاد؛ همانگونه که در کشورهای غربی که حکم قصاص به کلی لغو شده آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است و در نتیجه جامعه از نظر امنیت اجتماعی دچار بحران گردیده است. از سوی دیگر مایه حیات قاتل است چراکه او را از فکر آدم‌کشی تا حد زیادی باز می‌دارد و کنترل می‌کند (و موجب تأمین امنیت اجتماعی می‌گردد) (تفسیر نمونه، ج ۱: ۶۰۶). همچنین درباره معضل دزدی و سرقت که یکی از عوامل بر هم زنده نظم جامعه و ایجاد ناامنی اجتماعی است قرآن کریم چنین فرمان می‌دهد:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

(مائده / ۳۸)

«دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک

مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است»

با توجه به مفاد این آیه شریفه این مطلب به خوبی اثبات می‌شود که از نظر اسلام امنیت جامعه از چنان درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که فرمان می‌دهد که به سبب برهم زدن آن، دست انسان قطع گردد و مرتکب ایجاد ناامنی در جامعه، یک عمر بدون دست زندگی کند، ولی امنیت اجتماع محفوظ بماند. همچنین اسلام در خصوص برقراری امنیت اجتماعی توسل به زور و نیروی نظامی را در اختلاف و کشمکش‌های داخلی، در صورتی که شیوه‌های مسالمت آمیز اثربخش واقع نشود تجویز کرده در همان سوره حجرات که به یک معنا سوره امنیت است در آیه ۹ می‌خوانیم:

﴿وَلِئِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا

الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ﴾ (حجرات / ۹)

پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید، تا مشمول رحمت او شوید. در تعبیرات این آیه درست دقت کنید؛ بند بند آن از برنامه‌ریزی دقیق برای پایان دادن به هرگونه ناامنی اجتماعی، با استفاده از بهترین

روش‌های مسالمت آمیز و سرانجام توصل به زور- اگر روش‌های دیگر مفید واقع نشود- حکایت دارد.

۴. حفظ حریم خصوصی

اسلام در خصوص برقراری امنیت اجتماعی؛ معتقد است که نه تنها مردم نسبت به یکدیگر نباید تهاجم نکنند؛ بلکه از نظر زبان و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر یکدیگر نیز باید در امان باشند و هر کسی احساس کند دیگری در منطقه افکار خود، تیرهای تهمت را به سوی او نشانه گیری نمی کند و این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه مؤمن و دارای قوانین اسلامی امکانپذیر نیست. به همین دلیل در آیه ۱۲ سوره حجرات می خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه

بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و (هرگز در کار دیگران) تجسس نکنید»

از مجموع آنچه در این بخش از مقاله آوردیم به خوبی و به روشنی «جایگاه امنیت اجتماعی» در قرآن کریم و مقام والای آن از دیدگاه قرآن کریم روشن شد و به این مطلب پی بردیم که از دیدگاه قرآن نخستین نیاز زندگی اجتماعی انسان همانا دارا بودن «امنیت» است و تا در یک اجتماع حتی کوچک و چند نفره امنیت برقرار نباشد سایر تلاش‌ها و فعالیت‌ها نیز ثمره چندانی در پی نداشته و استفاده از سایر مزایای زندگی فردی و اجتماعی برای آدمی گوارا نخواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۲: ۱۲).

تضمینات عام امنیت اجتماعی در سطح داخلی

۱. اصل حاکمیت قانون

حاکمیت قانون در مضیق‌ترین حالت آن، تحدید قدرت و اختیارات زمامداران در چارچوب قوانین و مسئولیت آن‌ها در صورت تخطی از این مقررات تعریف شده است که از لوازم آن تساوی همگان در برابر قانون می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این مبنا تأکید شده است؛ اصل سوم قانون اساسی یکی از تکالیف اصلی

دولت جمهوری اسلامی ایران را محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی می‌داند و در اصل ۱۰۷ با تبیین تساوی بالاترین مقام اجرایی کشور با دیگران، اصل حاکمیت قانون به وضوح مطرح شده است. اصول مختلفی که در قانون اساسی، مبین وظایف و اختیارات مسئولین نظام است را نیز می‌توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست؛ اصل ۱۱۰ و اصولی همچون ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۲۱، ۱۲، ۱۱۳، ۷۲ و ۷۱ محدوده وظایف و اختیارات کارگزاران نظام اسلامی را تعریف کرده است. به طور کلی برای اجرای اصل حاکمیت قانون نیاز است به:

الف. حقانیت و مشروعیت قانون

حقانیت قانون ارتباط مستقیم با مردم سالاری دارد، بدین معنی که فقط از طریق پارلمان مردمی می‌توان به قوانین تضمین کننده امنیت دست یافت.

- آیات و روایات مورد استناد

- نساء/ ۱۳۵: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾

- حجرات/ ۱۲: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾

- اعراف/ ۱۵۷: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾

- قوانین داخلی مورد استناد

- اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است»

- اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند»

ب. کلیت و غیر شخصی بودن قانون

کلیت قانون به آن وصف غیر شخصی می‌دهد و امکان استبدادگرایی و جانبداری به نفع فردی خاص را نفی می‌کند. در خصوص این اصل می‌توان به مواد قانونی ذیل اشاره کرد:

- اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

- بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون».

۲.۲ دادگستری شایسته

یکی از مهم‌ترین تضمینات امنیت فردی، وجود دستگاه قضائی شایسته‌ای است که با پذیرش و احقاق حقوق دادرخواهان و تنبیه متجاوزان عدالت و صلح را گسترش دهد (فیض‌زاده، ۱۳۷۹: ۵۱). نیل به سازماندهی شایسته دستگاه قضایی موکول به تأمین شرایط ذیل است:

قابل دسترسی بودن دادگاه صالح برای دادرخواهی: طبق اصل ۳۴ قانون اساسی؛ دادرخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادرخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد. تأمین این امنیت در اسناد بین‌المللی به شرح ذیل است:

۱) قسمت اول از بند ۱ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲) قسمتی از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۳) بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر

استقلال قضائی: یکی از لوازم تضمین امنیت اجتماعی، استقلال قاضی است. طبق اصل ۱۶۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود و همچنین مطابق اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

درسوره مائده / ۴۲: ﴿سَمَاعُونَ لَلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ به امنیت حکام نیز اشاره شده است.

تأمین این امنیت در اسناد بین المللی به شرح ذیل است:

(۱) ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر

(۲) بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

(۳) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی

مسئولیت قضات یا دستگاه قضایی: مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

مسئولیت کیفری قضات یا دستگاه اجرایی: مطابق اصل ۱۶۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد. اصل سابق مصوب

۱۳۵۸: قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضایی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

۳. تضمینات خاص امنیت اجتماعی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حفظ امنیت اجتماعی تضمینات خاص ذیل را پیش بینی نموده است:

الف. اصل برائت

آیات قرآنی مورد استناد برای تأیید اصل برائت:

۱-سوره طلاق /۷: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾

۲-سوره اسراء/۱۵: ﴿مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾

۳-سوره یوسف/۷۹: ﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعِنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذَا ظَلَمْنَا مَوْثِقًا لِلنَّاسِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾

قوانین داخلی و بین المللی مورد استناد برای تأیید اصل برائت

-بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز شده باشد».

-بند ۲ ماده ۱۴ میثاق‌های حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز شود».

-بند ۵ ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر آورده است: «متهم بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم شده باشد ثابت گردد».

-اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

ب. تعقیب قانونی

با قبول لازم الاحترام بودن آزادی و امنیت افراد، نباید فراموش کرد که ارتکاب جرم به عنوان یک حقیقت تلخ در هر جامعه‌ای مطرح است (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۲۴) ولی محدود کردن آزادی و دستگیری افراد باید با تشریفات و رعایت حقوق افراد باشد. حق بر تعقیب قانونی شامل:

۱. کشف جرم و تعقیب و دستگیری قانونی

-کشف جرم و تعقیب و دستگیری قانونی در منابع داخلی

-در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود».

-سوره اسراء/۳۶: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾

-کشف جرم و تعقیب و دستگیری قانونی در منابع بین المللی

-بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

۲. تسریع در تفهیم اتهام

تسریع در تفهیم اتهام بدین جهت دارای اهمیت است که فرد مورد اتهام از همان ابتدا برای دفاع آمادگی لازم را پیدا کند.

-تسریع در تفهیم اتهام در منابع بین المللی

(۱) بند ۲ ماده میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

(۲) بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

(۳) بندهای ۴ و ۵ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی

۳. تشکیل پرونده و فراهم کردن مقدمات محاکمه در اسرع وقت

در خصوص این مبحث به قسمت سوم اصل ۳۲ قانون اساسی ایران و بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌توان اشاره کرد.

ج. محاکمه عادلانه

قرآن مجید درستی احکام قضایی را مبتنی بر حق، عدل و قسط می‌داند. منابع داخلی و بین المللی در خصوص این حق شامل:

- بند ۳ ماده ۱۴ میثاق مدنی و سیاسی

- بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی

- اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اصل ۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

-سوره نساء/۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾

-سوره نساء/۱۳۵: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَآلَهُ أَوْ لِي بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾

۴. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

در منابع اسلامی، قرآن مجید، علاوه بر بیان مجازات‌های اخروی و جرائم و مجازات‌های دنیوی، طی یک قاعده کلی اینگونه تصریح می‌کند که خداوند هیچ کس را به امتثال حکمی تکلیف نمی‌کند مگر آنکه آن حکم را به آنان رسانیده باشد:

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُتَّقِ اللَّهَ لَعَلَّ يُكْفَىٰ اللَّهُ أَنْفُسًا لِّمَا آتَاهَا

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾

همچنین در اسناد بین المللی ذیل به رعایت این حق تأکید شده است:

-بند ۲ ماده ۱۱ کنوانسیون جهانی حقوق بشر، بند دو ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی

حقوق بشر و در حقوق داخلی اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این حق اشاره شده است.

۵. امنیت متهمین و محکومین در مقابل فشار و تعرض غیر قانونی

منع فشار و آزار و شکنجه در کسب اقرار و شهادت و سوگند: قانون اساسی که قوانین دیگر باید کاملاً منطبق با آن باشند در اصل ۳۸ خود به تصریح حکم اقرار ناشی از شکنجه را بیان داشته و مقرر می‌دارد: «... اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». این اصل به طور مطلق و بدون هیچ استثنایی هرگونه شکنجه اعم از جسمی یا روحی و به هر وسیله و طریقی را با صراحت تمام ممنوع اعلام نموده است و آن را فاقد اعتبار می‌داند. به تبع این اصل مواد قانونی ذیل حکم اقرار ناشی از شکنجه را بیان می‌دارند:

بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقرر می‌دارد: «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت».

ماده ۴ قانون منع شکنجه: «کلیه اقراریر و اعترافات که بدون رعایت مفاد این قانون از متهم اخذ شده و در دادگاه از طرف وی مورد انکار قرار گیرد، در صورت عدم وجود ادله و قرائن قابل قبول دیگر، از درجه اعتبار ساقط و از عداد دلایل خارج خواهد شد».

منع هتک حرمت به متهمین و محکومین: امنیت فردی و اجتماعی حق همه شهروندان است که علاوه بر جان و مال، شامل حیثیت و کرامت اشخاص نیز می‌شود. لذا در قانون علاوه بر وضع مجازات برای هرگونه تعدی به جان و مال افراد، با جرم انگاری مواردی نظیر توهین و افترا و... حیثیت و کرامت اشخاص نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. زمانی که شهروندان آزادانه در جامعه مشغول زندگی و گذران امور خود هستند، شاید دفاع آنان از این حق خود دشواری نبوده و با مانع چندانی روبه‌رو نباشد چراکه دادگستری به عنوان مرجع تظلمات و شکایات شهروندان، همواره آماده رسیدگی به درخواست‌های آنان است ولی زمانی که فرد به هر دلیل به حبس و تبعید محکوم می‌شود، طبیعتاً با توجه به محدودیت‌هایی که برای وی به‌وجود خواهد آمد، دفاع از کرامت و حیثیت و حرمت او ممکن است خارج از توان خود وی باشد؛ لذا در قوانین مختلف تأکید ویژه‌ای برای منع هتک حرمت این قبیل افراد شده است. در ایران نیز

قانونگذار ما در اصل سی و نهم قانون اساسی در این مورد می‌گوید: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». عامل دیگر اهمیت این امر این است که بیش از مجازات‌های مقرر در قانون، اعمال هرگونه رفتار ناخوشایند نظیر هتک حرمت و توهین به آنان روا نیست؛ به همین جهت مرتکبین چنین اعمالی به خاطر آنکه پا را از ضوابط فراتر گذاشته و حیثیت انسانی را مخدوش کرده‌اند مستوجب مجازات خواهند بود. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در این مورد می‌گوید: «تندخویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانیان و اعمال تنبیهات خشن و مشقت‌بار و موهن در زندان‌ها به کلی ممنوع است». همچنین این افراد پس از گذراندن دوران قانونی محکومیت، می‌توانند همانند سایر شهروندان آزادانه و بدون هیچ محدودیت دیگری به دامن جامعه بازگشته و روال معمول زندگی خود را از سر بگیرند. به همین جهت احترام به حیثیت آنان از وظایف هم مردم و هم مسئولین حکومتی در هر مقام و موقعیتی که باشند به شمار می‌رود؛ امری که متأسفانه در برخی موارد نه‌تنها از سوی کادر نگهداری و حفاظت از کسانی که به حبس و تبعید محکوم شده‌اند رعایت نمی‌شود، بلکه در پاره‌ای موارد حتی هتک حرمت و اتهام زنی به آنان از سوی برخی رسانه‌های جمعی نیز رخ می‌دهد. اگر هم به دلایلی از سوی هر یک از نهادهای حقوقی یا امنیتی مجازات حبس در منزل برای افراد در نظر گرفته شود، باید با در نظر گرفتن وحدت ملاک، همانند کسانی که به حبس یا تبعید محکوم گشته‌اند، حرمت، حیثیت و کرامت محصورین نیز مورد احترام و حمایت قانون و دستگاه قضایی قرار بگیرد. بنابراین شایسته است که علاوه بر اینکه برای متهمین و محکومین حق اعاده حیثیت و احقاق حق را به رسمیت شناخته و اجازه ارائه پاسخ و احیاناً طرح شکایت برای آنان نیز قائل هستیم، مطابق قانون با هر فرد و نهاد و رسانه‌ای که به هتک حیثیت و حرمت و اتهام زنی به آن‌ها پرداخته برخورد کنیم.

نتیجه بحث

از مجموع آنچه در این مقاله آوردیم به خوبی و به روشنی «جایگاه امنیت اجتماعی» در قرآن کریم و مقام ولای آن از دیدگاه قرآن کریم روشن شد و به این مطلب پی بردیم

که از دیدگاه قرآن نخستین نیاز زندگی اجتماعی انسان همانا دارا بودن «امنیت» است و تا در یک اجتماع حتی کوچک و چند نفره امنیت برقرار نباشد سایر تلاش‌ها و فعالیت‌ها نیز ثمره چندانی در پی نداشته و استفاده از سایر مزایای زندگی فردی و اجتماعی برای آدمی گوارا نخواهد بود. قرآن کریم که مسئولیت تربیت انسان را به عنوان خلیفه و جانشین پروردگار در زمین بر عهده دارد «برقراری امنیت اجتماعی» را به عنوان وسیله‌ای بسیار اساسی و مهم در نظر قرار داده و اهدافی را از امنیت دنبال می‌کند که در نهایت منجر به دستیابی به این غایت و نتیجه مبارک گردد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در این نوشتار می‌توان گفت که هدف از برقراری امنیت اجتماعی فراهم کردن محیطی سالم و آرام برای پرداختن به امر عبادت و بندگی خداست. محیطی که در آن کوچک‌ترین اثری از ناامنی و عوامل ایجاد آن نباشد و مردمان با آسودگی خاطر و به دور از فتنه‌های رنگارنگ و آشوب‌های گوناگون، تنها و تنها در جهت خشنودی و رضای پروردگار گام بردارند و به هدف خلقت خویش یعنی عبودیت خالصانه خداوند نزدیک شوند، زیرا هرگاه محیط زندگی و جامعه ناامن باشد، هرگونه فعالیت و تلاشی چه در عرصه مادی و چه در عرصه معنوی ابر و به عبارت صحیح‌تر غیر ممکن می‌باشد و این مطلبی است که تجربه چندین هزارساله تمدن بشری در سرزمین‌های مختلف بر آن صحه گذارده و نگاهی به برخی جوامع ناامن و یا برخوردار از امنیت نامناسب در جهان کنونی نیز مؤید این مطلب است.

در واقع احساس امنیت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که شهروندان بیم اینکه ارزش‌های انسانی مورد حمله قرار گیرد نداشته باشند و حقوق و آزادی‌های مشروع آن‌ها به رسمیت شناخته شود.

کتابنامه

- اعلامیه جهانی حقوق بشر.
اعلامیه حقوق بشر اسلامی.
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

کتاب انگلیسی

- Bevilacqua, D., Introduction to Global Food-Safety Law and Regulation, Netherlands: Europa Law Publishing, 2015.
Brendenoord, J. & et al., Affordable Housing in the Urban Global South: Seeking Sustainable Solutions, London: Routledge, 2014.
Gibney, M., & Skogly, S., Universal Human Rights and Extraterritorial Obligations, USA, University of Pennsylvania Press, 2010.

مقالات

- ابراهیمی، مهدی. ۱۳۹۴ش، «نگاهی به پژوهش‌های رفاه اجتماعی در ایران (با تمرکز بر مقالات علمی - پژوهشی در دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۳)»، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال سیزدهم، ش ۴۶.
افتخاری، اصغر. ۱۳۸۹ش، «امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
جاوید، احسان و صابر نیورانی. ۱۳۹۳ش، «قلمرو حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۱.
حبیبی مجنده، محمد. ۱۳۸۹ش، «حق بر سلامتی در نظام بین‌الملل حقوق بشر»، دوفصلنامه حقوق بشر، جلد ۲، شماره ۱.
شایگان، فریبا. ۱۳۸۹ش، «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳.
شهرام‌نیا، سید امیرمسعود و همکاران. ۱۳۹۳ش، «بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی و رفاه اقتصادی (مطالعه موردی دانشجویان، کارمندان و استادان دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۹.
فیض‌زاده، علی و سعید مدنی. ۱۳۷۹ش، «بررسی مفهوم تأمین اجتماعی در ایران و جهان در چارچوب زمینه‌های اجرای نظام رفاه و تأمین اجتماعی و شاخص‌های مرتبط با آن»، تأمین اجتماعی، شماره ۷.
قاسمی، وحید. ۱۳۹۲ش، «تیین رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر احساس امنیت (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۷.

یزدانی، فرشید. ۱۳۸۲ش، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی، رفاه و تأمین اجتماعی)»، مجله رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۰.

Bibliography

Universal Declaration of Human Rights.

Declaration of Islamic Human Rights.

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights.

English books

Bevilacqua, D., Introduction to Global Food-Safety Law and Regulation, Netherlands: Europa Law Publishing, 2015.

Brendenoord, J. & et al., Affordable Housing in the Urban Global South: Seeking Sustainable Solutions, London: Routledge, 2014.

Gibney, M., & and Skogly, S., Universal Human Rights and Extraterritorial Obligations, USA, University of Pennsylvania Press, 2010.

Articles

Ebrahimi, Mehdi 2015, "A look at social welfare research in Iran (focusing on scientific-research articles in the period 2001-2014)", Social Security Quarterly, Year 13, No. 46.

Eftekhari, Asghar. 2010, "Public Security in the Thoughts and Statements of the Supreme Leader", Law Enforcement Knowledge Quarterly, Year 12, Issue 2.

Javid, Ehsan and Saber Niavarani. 2014, "The Realm of the Right to Health in the International Human Rights System", Public Law Research, Volume 15, Number 41.

Habibi Majandeh, Mohammad 2010, "Right to Health in the International Human Rights System", Bi-Quarterly Journal of Human Rights, Volume 2, Number 1.

Shaygan, Fariba. 2010, "Attitude Towards Socio-Economic Welfare and Its Relationship with Political Trust in Tehran", Welfare Planning and Social Development, Volume 1, Number 3.

Shahramnia, Seyed Amir Massoud et al. 2014, "Study of the relationship between political participation and economic welfare (a case study of students, staff and professors of the University of Isfahan)", Quarterly Journal of Welfare Planning and Social Development, No. 19.

Feizadeh, Ali and Saeed Madani. 2000, "Study of the concept of social security in Iran and the world in the framework of executive context of the welfare system and social security and related indicators", Social Security, No. 7.

Qasemi, Vahid 2013, "Explaining Social Welfare and Its Impact on Sense of Security (Case Study of Isfahan)", Journal of Welfare Planning and Social Development, No. 17.

Yazdani, Farshid. 2003, "Basic Concepts in Social Welfare (Social Policy, Social Support, Welfare and Social Security)", Journal of Social Welfare, Volume 3, Number 10, Special Issue of Social Policy.

Right to Social Security with Emphasis on Verses and Hadiths

Somayeh Sarami

PhD Student in Law, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Nafiseh Nekouei Mehr

PhD Student in Law, Department of Public Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Atefeh Hosseini Fard

PhD Student in Law, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Mohammad Javad Abdollahi

Faculty member, Department of Private Law, Khomeini Shahr Branch, Islamic Azad University, Khomeini Shahr, Iran

Abstract

One of the duties of the Islamic government is to provide security and establish order and tranquility in the growth and development of society, which should be done by using and employing various tools and facilities, and also the Islamic society has a duty to establish the guardianship of faith and in order to avoid disorder and chaos, to perform the life-giving duty of enjoining the good and forbidding the evil. In order to become more familiar, it is worthwhile to discuss the position of security in Islam and verses and hadiths in detail in order to be clarified Iran's thoughts and positions in this regard which are derived from the spirit of the teachings of pure Islam. In this article, it is tried to answer these questions: what order should be observed according to verses and hadiths? And whose security or military should be maintained? Various types of social security have been examined from the perspective of verses, hadiths and domestic and international laws using the library method, and the law enforcement force has been mentioned as one of the most important pillars of protecting the right to social security.

Keywords: Social Security Islam Verses Law Enforcement Force Iran